

جنبش زنان جنبش مقاومت نه جنبش بی حقوقی

گفتگویی میان پروین کابلی و آذر ماجدی



آذر ماجدی

برجسته این جنبش است. تحت یک نظام شدیداً مردسالار و زن ستیز که سرکوب و اختناق، محدودیت بسیاری را بر جامعه تحمیل می‌کند، زنان در مقابل تمام تحمیلات و محدودیت‌ها مقاومت می‌کنند. اگر جنبش آزادی زن در ایران را با جنبش آزادی زن در دهه 60 و 70 میلادی در غرب مقایسه کنید، متوجه این ویژگی می‌شوید.

حاکم وجود دارد که نیازمند حمایت و همبستگی وسیع بین‌المللی است. شاید استفاده از لفظ مقاومت جدید است. چون معمولاً این جنبش را جنبش آزادی زن، دفاع از حقوق زن و یا صرفاً جنبش زنان می‌نامند. به نظر من استفاده از لفظ مقاومت بسیار مناسب است. چرا که ماهیت و خصلت جنبش آزادی زن در ایران را بخوبی بیان می‌کند. در ایران مقاومت خصلت

مشابه صحبت می‌شود، از ستمکشی زنان و بیحقوقی آنها گفته می‌شود. من در این کنفرانس تلاش کردم که درباره مقاومت وسیعی که در ایران در مقابل این ستم و بیحقوقی وجود دارد صحبت کنم. تلاش من این بود که در این کنفرانس بین‌المللی نشان دهم که در ایران ما فقط شاهد ستم و سرکوب و بیحقوقی نیستیم، یک جنبش وسیع علیه نظم موجود، قوانین و ارزشهای

پروین کابلی: شما در کنفرانس بین‌المللی زنان در دوسلدورف از یک نگاه جدید به جنبش زنان در ایران صحبت می‌کنید. شما از جنبش مقاومت و مقاومت زنان در ایران صحبت می‌کنید. چرا؟

آذر ماجدی: من از این صحبت کردم که معمولاً وقتی درباره وضعیت زنان در کشور ایران یا کشورهای با موقعیت نسبتاً

سخنرانی آذر ماجدی در کنفرانس بین‌المللی زنان در شهر دوسلدورف آلمان؛ زمینه ساز گفتگویی شد میان پروین کابلی و آذر ماجدی. پروین کابلی معتقد است؛ آذر ماجدی نگاه جدیدی به جنبش زنان در ایران دارد. گفتنی است که این مصاحبه در این شماره خاتمه نمی‌یابد و در شماره های آینده نیز دنبال خواهد شد.

ادامه در صفحه ۳



کرد. ایشان و دوستان نزدیکشان در زمره کسانی بودند که سیاست ارتجاعی "یا روسری یا تو سری" را بر زنان تحمیل میکردند. اما اکنون ورق برگشته است. ثانیاً این نکته حائز اهمیت

آزادی زن: اخیراً جاریان از حقوق ویژه برای زنان در ایران صحبت کرده است. این بحثی است که قبلاً اینجا و آنجا گاه‌ها مطرح شده؛ نظر شما در این مورد چیست؟ مشخصاً آیا شما موافق حقوق ویژه برای زنان هستید؟
علی جوادی: به نظرم ابتدا آقای جاریان را باید به جرم برپایی یکی از مخوفترین سازمانهای جنایت علیه مردم و استقرار حاکمیت ضد زن حکومت اسلامی بازداشت و محاکمه

فزاینده است؛ بمثابة ترمزی، این بحث را در برابر آن قرار دهد. نشریه آزادی زن از این هفته تلاش خواهد نمود که با فعالین جنبش زنان و اپوزیسیون ایران به بحث در مورد تبعیض مثبت در مورد زنان بپردازد و نظرات مختلف را در این رابطه منتشر کند.

کارگزاران به تفصیل در مورد تبعیض مثبت و اشکال مختلف آن صحبت کرده است اگر چه جاریان به طور مستقیم وارد موقعیت زنان در ایران و نقش توکنیسم نمی‌شود ولی به نوعی تلاش میکند که در تقابل با جنبش زنان، که بطور روز افزونی به جانب یک جنبش ضد رژیم‌یسمت و سو می‌یابد؛ و در حال تبدیل شدن به خطری

توضیحی از سر دبیر آزادی زن!

حقوق ویژه به زنان و یا تبعیض مثبت از بحثهای جاری در جنبش زنان است. بحثی که به ویژه بخشی از جنبش فمینیستی ایران از مدافعین آن است. جنبش زنان در ایران تا کنون بطور جدی وارد این بحث نشده است. اخیراً جاریان در مقاله ای با

ادامه در صفحه ۳

این هفته با علی جوادی در رابطه با
حقوق ویژه به زنان و یا تبعیض مثبت !!!؟

زنده باد آزادی، زنده باد برابری



به این رفتار شنیع اعتراض کنید!

نامه ای سرگشاده، از مینا احدی به سازمانهای مدافع حقوق انسانی

یک جنبش عظیم بر علیه این جانان در جریان است. اگر سرکوب، شکنجه، اعدام و سنگسار و در عین حال حمایت دولتهای غربی نبود،

مردم مترقی و مدرن و مخالف این جانان بساط اینها را یک روزه جارو می‌کردند. در ایران این جنبش ضد حکومت، ضد قوانین و سنتهای اسلامی، ضد مذهبی و سکولار، یک جنبش اجتماعی و قوی است. ما زنان و مردان فراری از اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی خواهان قطع فوری دفاع دولتهای غربی از این جریانات هستیم. الهاللی و امامان شبیه او نماینده هیچکس نیستند. بساط اینها باید فوراً جمع شود! ما خواهان اعلام و اجرای این خواستها در کشورهای غربی هستیم:

نباید هیچ سوبسید دولتی به جریانات اسلامی داده شود. حجاب کودکان باید ممنوع شود. تدریس مذهب در مدارس و به طریق اولی تدریس اسلام در همه مدارس ممنوع شود! حجاب در مراکز کار و فعالیت اجتماعی باید ممنوع شود.

مینا احدی

31 اکتبر 2006

قرون وسطایی است. این جنبش نامش اسلام سیاسی است. اسلام سیاسی که به کمک دولتهای غربی و با هدف مقابله با چپ و همچنین نفوذ شوروی در برخی از کشورهای خاورمیانه قدرت گرفت، با شکست انقلاب ایران و روی کار آمدن حکومت اسلامی یک سنگر مهم دفاع از بربریت و ارتجاع را در خاورمیانه و در دنیا ساخت. امروز این جنبش زن ستیز و قرون وسطایی با یاری دولتهای غربی و به کمک خیل عظیم شرق شناسان و استادان پست مدرنیست مدافع نسبیست فرهنگی به افکار عمومی در دنیا فروخته می‌شود. با اعلام یک دروغ بزرگ و بیش‌رمانه به همگان، که گویی اینها ثمره و نتیجه فرهنگ و اخلاقیات و خواستههای زنان و مردان متولد کشورهای اسلام زده هستند.

در ایران، عراق، افغانستان، سودان و پاکستان

شده است. ما این هیولا را خوب می‌شناسیم. در افغانستان مسواک زدن را قدغن کردند و زنان را وادار کردند که کفش پاشنه بلند نپوشند و حتی برای حیوانات مونث خواهان حجاب اسلامی بودند. و امروز در افغانستان، اینها زنان مدافع حقوق انسانی را ترور و سنگسار می‌کنند و به "ملالی جویا" که منتقد آنهاست، لقب فاحشه داده و تهدید به قتل می‌کنند. ما این هیولا را می‌شناسیم. اینها در مقابل دوربینها سر می‌برند و جنایت برایشان حد و مرزی ندارد. در عراق زنان را وادار کرده اند که از خانه بیرون نیایند و به موقعیت بردگان در 1400 سال قبل داستان جنایات اینها بر علیه زنان در کشورهای اسلام زده یک داستان وحشتناک و طولانی است. داستان بیش از سه دهه حجاب اجباری، قتل های گسترده ناموسی، شکنجه، ترور، اعدام، سنگسار، جنایت، آپارتاید جنسی و قوانین پوسیده

از مسجد، منبر، رادیو و تلویزیون در مورد بی حقوقی زنان و انسان نبودن آنها رجز می‌خوانند. این جماعت را زنان متولد در کشورهای اسلام زده بهتر از هر کس دیگری می‌شناسند. اینها برای دختر 9 ساله قانون صادر کرده و بر اساس دستورات پیغمبر پدوفیلشان به مردان اجازه تجاوز به کودکان را می‌دهند. هر جا اینها هستند، زنان را قانوناً نیمه انسان محسوب کرده و هر نوع حقوق انسانی را از آنها رسماً سلب کرده اند. ما این پدیده و این هیولا را خوب می‌شناسیم در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، هم مسلمانان و شبیهان این جانور در حکومت هستند، سالیانه بیش از صد هزار زن به دلیل عدم رعایت حجاب اسلامی کتک می‌خورند. در ایران با اسید پاشی به سر و صورت زنان و با زدن پونز بر سرشان حجاب را بر سر زنان کردند و در پرونده این جانان صدها سنگسار ثبت

سخنان تهوع آور امام مسجد مسلمانان لاکمبا در استرالیا، یک نمونه آشکار از جایگاه زنان در جنبش سیاه و زن ستیز اسلامی است! امام مسجد لاکمبا زنان بی حجاب را به گوشت تشبیه می‌کند و با لحنی مضمنز کننده و تهوع آور می‌پرسد، اگر گوشت را بدون سرپوش بیرون بگذارید و گربه به آن دستبرد بزند، مقصر کیست گوشت و یا گربه؟ و این فرد بیمار پاسخ می‌دهد "گوشت!" طرح این سخنان از سوی یک فرد در یک مجلس با حضور صدها نفر، یک واقعیت دردناک را اثبات می‌کند، افسار گسیختگی جنبش سیاه اسلامی در اروپا، کانادا و استرالیا به یمن مماشات دولتهای غربی با اینها به اوج خود رسیده است. الهاللی امام مسجد مسلمانان در استرالیا فقط یک نمونه از خیل آخوندها و امامانی است که در دنیا مثل مور و ملخ پراکنده هستند و روزانه

این زنان بدون تابعیت، کودکان آنها نیز اخراج شوند. کودکانی که هیچ اختیاری در تعیین محل تولد، ملیت، نژاد و قومیت خود ندارد. این یک سیاست فاشیستی است.

طبق سیاست های زن ستیزانه اسلامی یک زن متولد ایران حق شهروندی و تابعیت خود را بعد از ازواج

رژیم اسلامی با این اقدام جنایتکارانه خود قصد دارد 1 میلیون انسان را شکار کند و از ایران به افغانستان برگرداند. قرار است کارگران از محلهای کار خود شکار شوند. قرار است زنان ایرانی که به همسری مردان افغانستانی تیار در آمده اند هم از ایران اخراج شوند. قرار است به‌مراه این کارگران زحمتکش و

شنبه ۶ آبان تیم های متشکل از وزارت کشور، نیروی و انتظامی، دادستانی وزارت بازرگانی به همراه بازرسان وزارت کار به مراکزی که از اتباع افغانستانی استفاده می کنند رفته و نسبت به اخراج آن ها اقدام می کنند. قرار است تا پایان امسال ۵۰۰ هزار افغانستانی از ایران اخراج شوند.

خبر استرداد 950 هزار افغانستانی از ایران در سه ماه آینده توسط احمد حسینی مدیر کل اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور رژیم اسلامی، روز 29 مرداد اعلام شده بود. از آنروز تا بحال حدود 130 هزار تن از این مردم محروم و زحمتکش به مناطق مرزی افغانستان برگردانده شدند. به گفته مقامات دولتی: از روز

سازمان آزادی زنان
Women's Liberation - Iran
پاکسازی قومی
جمهوری اسلامی!

دفاع از حق
شهروندی مهاجرین
افغانستانی وظیفه
انسانی همه ماست!

ادامه در صفحه ۳

به سازمان آزادی زن پیوندید

ادامه

جنبش زنان . . .

از صفحه ۱

جنبش آزادی زن در ایران پس از شکست فاز اولیه برای دوره‌ای در شکل مقاومت‌های فردی ادامه پیدا کرد و سپس وارد دوره‌ای جدید شد. نسل جوان در ایران نقش کاملاً برجسته‌ای در این جنبش مقاومت ایفاء می‌کند. استقامت و مقاومتی که از خود نشان می‌دهد ویژگی خاصی به این جنبش می‌دهد. اکنون یک دهه است که این جنبش روز به روز قوی‌تر و وسیع‌تر می‌شود. این سخنرانی با استقبال وسیعی روبرو شد. این نگرش برای حضار بسیار جالب بود. تعدادی به من گفتند که بهیچوجه اطلاع نداشتند که چنین جنبشی در ایران وجود دارد. سازماندهندگان کنفرانس اجازه خواستند تا از این سخنرانی و اسلاید شویی که نشان دادیم، که توسط شهلا نوری تهیه شده بود، در کنفرانسی که در هندوستان برگزار می‌شد، استفاده کنند. صدها نفر طومار سازمان آزادی زن را امضاء کردند.

پروین کابلی: شما از جنبش مقاومت صحبت می‌کنید. شاید بهتر است به کمپین یک میلیون امضا اشاره کنم. شما از این کمپین پشتیبانی کرده اید. آیا این کمپین را جزئی از این مقاومت به حساب می‌آورید؟

آذر ماجدی: کمپین یک میلیون امضاء بخشی از جنبش دفاع از حقوق زن است. تلاش برای تغییر قوانین تبعیض آمیز همواره یکی از وجوه این جنبش بوده است. قبل از هر چیزی

ادامه

حقوق ویژه به زنان . . .

از صفحه ۱

است که چگونه بخشی از سران و مسئولین حکومت اوباش اسلامی این چنین ناچار به تغییر مواضع خود بمنظور تداوم رژیم اسلامی شده اند. اما بهرحال در مورد این سؤال باید بگویم که من موافق هیچگونه حقوق ویژه برای هیچ بخشی از جامعه نیستم. برابری مطلق زن و مرد و نه ایجاد یک نوع نابرابری دیگر، بر خلاف بخشهایی از فمینیستها، هدفی است که من دنبال می‌کنم. من خواهان نابودی قاطع و همه جانبه نابرابری زن و مرد هستم. خواهان برابری مطلق و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی، در حیات سیاسی جامعه، در خانواده، در قلمرو اقتصاد و اشتغال و همچنین حوزه ابراز وجود اجتماعی هستم. من خواهان لغو تمام قوانین، مقررات، راه و رسم ها و سنت هایی هستم که نافی استقلال و اراده مستقل و برابر زن به عنوان یک شهروند متساوی الحقوق در جامعه است. من خواهان امکانات، شرایط و حقوق برابر و نه "سهمی" برابر

شرایطی رهبری اوضاع بیشتر دست جریان‌های ملایم تر و به اصطلاح قانون گرا می افتد. فعالین رادیکال معمولاً بیشتر در پشت صحنه و به صورت مخفی کار می‌کنند. ولی ما این گرایش را کاملاً در میان جوانان و در استقامت و مقاومتی که در مقابل رژیم از خود نشان می دهند مشاهده می‌کنیم. باید راهی یافت تا این گرایش بتواند بدون به خطر افتادن بروز علنی بیابد. اکنون این گرایش بطور بسیار روشنی توسط سازمان آزادی زن نمایندگی می‌شود. سازمان آزادی زن در این میان نقش بسیار مهم و خطیری دارد. از سوال دور شدم. بنظر من این کمپین ابتکار جالبی است و امکان توده‌ای شدن دارد. سازمان آزادی زن با بیان انتقادات خود از این کمپین حمایت کرد. سخنگویان این کمپین بیشتر از گرایش ملی - اسلامی هستند ولی این جنبش فقط به آنها محدود نمی‌شود. بطور گسترده‌ای در کشور دارد نفوذ می‌کند. عناصر رادیکال در این جنبش فعال هستند. کسانی که عملاً به جنبش ما متعلق اند. ما باید این گرایش را درون این جنبش تقویت کنیم.

پاکسازی قومی . . .

از صفحه ۲

با یک مرد تابع کشور از دست می‌دهد! این سیاستی ضد زن و فاشیستی است و باید در انظار جهانیان افشا گردد. سیاست پاکسازی قومی جمهوری اسلامی باید افشا و شدیداً محکوم گردد. بیش از ۳ میلیون مهاجر افغانستانی تبار در ایران زندگی میکنند. سرمایه داران و خود دولت اسلامی

گرایش رادیکال و ماکزیمالیست در داخل کشور هنوز نمایندگان و رهبری علنی ندارد. این یکی از واقعیت‌های شرایط اختناق و سرکوب است. در شرایط اختناق کار علنی علیه رژیم مخاطرات بسیاری در پی دارد. تلفیق کار مخفی و علنی بسیار پیچیده است. لذا در چنین

ادامه در صفحه ۴

آدرس پستی

PO Box 42300
London N12
0WY
UK

به ما کمک مالی کنید

Lloyds Bank
Account: 0972959
Sort code: 30-99-86
369Green Lanes
Palmer's Green
London N13 4JH
UK

سوال میزگرد رادیو بی بی سی و پاسخ بعضی از اعضای شورای مرکزی سازمان آزادی زن:

"آیا تنبیه در رابطه زناشویی جایز است؟"

به تازگی فتوایی از یکی از مراجع شیعه در قم منتشر شده که وی در آن، تنبیه زنان در صورت تمکین نکردن از شوهر را بر اساس دستورات دینی جایز دانسته است. آیت الله مکارم شیرازی که این فتوا را صادر کرده در ضمن گفته است که اگر مرد هم با زن "زناشویی" نکند، حکومت اسلامی حق دارد مرد را تنبیه کند. در این فتوا همچنین گفته شده که در بعضی از زنان حالت مازوخیسم یا آزار خواهی وجود دارد که گاهی تشدید می شود. به گفته آقای مکارم، "تنبیه ملایم" در تسکین روحی این زنان موثر است. وی منبع این فتوای خود را قرآن و نظرات روانشناسان اعلام کرده است.

شورای مرکزی سازمان آزادی زن جواب می دهد:

نوشته بالا در رابطه با فتوای رهبران اسلامی در ایران است. نظر شما در این رابطه چیست؟

مینا احدی: این حرفها یا توهینها، چکیده و جوهر نگرش اسلام به زنان است. مذهب اسلام و همه مذاهب مقررراتی ارتجاعی و ضد انسانی هستند که به دلایل مادی و ملموسی کماکان در زندگی مردم نقش بازی می کنند. اسلام سیاسی امروز یک جنبش سیاه و ارتجاعی است که با تکیه به

همین مقررات قرون وسطایی زندگی میلیونها زن را به جهنم تمام عیار تبدیل کرده است. این توهینهای مشتمل کننده اکنون در برخی کشورها قانون دولتی است و در برخی به زور اسلحه و ترور و قدرت باندهای اسلامی اعلام و اجرا می شود. بشریت در مقابل این جنبش سیاه و زن ستیز باید بیش از اینها عکس العمل نشان دهد. ما خواهان سازمان دادن یک جبهه گسترده جهانی علیه این جانیان هستیم.

علی جوادی: پاسخ من کوتاه است. مرگ بر جمهوری اسلامی! مرگ بر اسلام! مکارم شیرازی جوهر کثیف و ضد زن اسلام را بیان کرده است. این اسلام است! این حیوانات کریه اسلامی را به جرم سازماندهی تعرض به زنان و جامعه را باید بازداشت کرد. جامعه را باید از وجود این موجودات مصون داشت. این یک وظیفه حیاتی ماست.

زری اصلی: تراوشات مغز ناقص آیت الله مکارم شیرازی. بنا به تعریف این موجود، در برخورد به مقوله سکس و نیاز به آمیزش جنسی، تنها وجه تمایز (بین انسان و حیوان) در این است که باید آنها را از مرغ و خروس یا هرکی، هرکی باید بیرون آورد و نظمی بهشان داد. اینجاست که پدیده خانواده

بدانشان می رسد. قرار بر این است که "خانواده" انسان را از حیوان متمایز کند. بقای خانواده بر محور آمیزش جنسی، سکس و تولید مثل تعریف و بنیان گذاشته می شود. در فلسفه این موجودات انسان ماده مفعول و انسان نر نقش فاعل را دارد. زن تبدیل به کشتزار (برده جنسی) و مرد تولید کننده و نقش عامل بقاء را دارد. در فلسفه اینها زن، انسان کامل و موجود مستقل و کامل بحساب نمی آید.

نیاز قاندی: این فتوا اصلا تازگی ندارد فقط هم از طرف مکارم شیرازی طرح نشده است. در قران و احادیث و رساله های دیگر جانوران دقیانوسی هم این مسئله به صراحت بیان شده. دیگر مذاهب هم چگونه ای به آن پرداخته، و تایید کرده اند.

در هر حال از نظر من تنبیه اعلام قدرت است. به هر دلیلی و به هر شکلی. مرزهای تعیین شده قدرت و اقتدار بنوعی به هم ریخته شده اند، تنبیه وسیله ای ست برای بازگرداندن این مرزها به نقطه تعادل قبلی خود.

دینها و مذاهب که اساسا فلسفه وجودیشان به تابعیت در آوردن و انقیاد انسانهاست. در سیاستهای سرکوبگر به اصطلاح سکولار هم مجازات و تنبیه رکنی مهم دارد.

زندان و پلیس و ارتش و دولت. آیا واقعا به آنها نیازی است؟ نه! **هما ارجمند:** من حرف زیادی سر گفته مکارم شیرازی ندارم. همین قدر بگویم که ایشان غلط کرده اند. خودشان و قران شان و همه ائمه شان. کسی غیر از مثنی ملای مزدور، پاسدار و مردان خشونتگر به زنان، برای او ارزشی قائل نیست. ایشان و حشراتی مثل او ۱۴ قرن دیر به دنیا آمدند. و البته زنان در ایران حقتشان را کف دستشان خواهند گذاشت. جالب این که اظهار فضل هم می کنند و به روانشناسی هم رجوع. به او و امثال او باید گفت سادیسم خود را به حساب مازوخیسم دیگران نگذارند. همین.

اسماعیل اوجی: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّحِيمِ. آیت الله مکارم شیرازی هیچوقت از خودش این فتوا را صادر

نکرده بلکه همانا از روی قران نسخه برداری فرموده است و اعتراض به این بزرگوار!!! کار ناشایستی است. اگر اعتراضی دارید و جرات هم دارید به خود قران مراجعه کنید. سوره نساء آیه 34. اگر چیزی فهمیدید مواظب خودتان باشید وگرنه کتک ...

پاکسازی قومی ...
از صفحه ۲
اسلامی سود آفریده اند. حق شهروندی مهاجرین افغانستانی تبار مقیم ایران باید سریعاً تامین گردد. سازمان آزادی زن ضمن محکوم کردن این سیاست فاشیستی از کلیه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب می خواهد که این اقدام جمهوری اسلامی را محکوم کنند و خواهان برسمیت شناختن حق تابعیت این ۳ میلیون انسان زحمتکش شوند

۷ نوامبر ۲۰۰۶
سازمان آزادی زن

رئیس سازمان آزادی زن
آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

سردبیر نشریه
پروین کابلی

parvinkaboli@yahoo.se

Tel: +46 707 744 02

دستیاران سردبیر
نیاز قاندی **اسماعیل اوجی**